

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۷

معرفی و بررسی نسخه خطی التوحید من نفس الرحمن شرف‌الدین علی یزدی^۱

ناصر خراسانی^۲

گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر داود چوگانیان^۳

گروه عرفان اسلامی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسؤول)

دکتر غلامعلی آریا^۴

گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر علیرضا ابراهیم^۵

گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

رسالة التوحید من نفس الرحمن یکی از برجسته‌ترین تهلیل‌های عرفانی موجود در میان انبوه میراث مکتوب عرفانی و ادبی این سرزمین است که بی‌اغراق احیا و معرفی آن، گشایش دریچه‌ای نو و منظری متفاوت بر این گونه از ادبیات عرفانی است. این پژوهش ضمن تصحیح و تعلیق یک اثر عرفانی، منتج به شناخت وجهه نامکشوف از ابعاد شخصیت مؤلف آن شده است. شرف‌الدین علی یزدی تاکنون به‌عنوان مورخ شیخ شهبیر، شاعر، منشی، منجم، ریاضی‌دان، موسیقی‌دان، لغوی و حروفی قرن نهم، زبانزد خاص و عام بوده، لیکن

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۲

۱ تاریخ وصول: ۹۷/۵/۱۸

۲ naserkhorasani@yahoo.com

۳ dchoganian@gmail.com

۴ ariagholamali@gmail.com

۵ alirezaabrahim90@gmail.com

وجهه عرفانی این دانشمند، مغفول مانده است. متن رساله حاضر، شامل دو بخش است: اول براهین عقلی و نقلی در اثبات توحید و دوم تفسیر عرفانی «باب التهلیل» از کتاب فتوحات المکیه ابن عربی. این رساله در هر دو بخش حاوی ویژگی‌های خاص عرفانی و ادبی است؛ استفاده از نثر فنی، ارجاع مکرر به آیات و احادیث، اثبات توحید به روش احصایی، تقسیم‌بندی توحید بر اساس ۳۶ آیه تهلیل، تبیین آرا و اندیشه‌های عرفانی مؤلف و از بُعد تاریخی، اثبات ارتباط شرف‌الدین با حکومت قراقویونلوها از نتایج این پژوهش به شمار می‌رود. این رساله بر اساس سه نسخه موجود و به شیوه نسخه اساس تصحیح شده است.

واژه‌های کلیدی

شرف‌الدین علی یزدی، التوحید من نفس الرحمن، تهلیلیه، عرفان، تصحیح، نسخه خطی.

۱. مقدمه

نسخ خطی میراث ارزنده علمی، فرهنگی، هنری و تاریخی هر کشوری است؛ این یادگار ارزشمند نیاکان ما نه تنها در گوشه‌گوشه این مرزوبوم بلکه در گستره وسیع ایران فرهنگی و خارج از مرزهای سیاسی و جغرافیایی آن، در شبه‌قاره، ترکیه، عراق، آسیای میانه، کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی اروپا و آمریکا پراکنده است و هم‌اکنون می‌طلبد تا این میراث گران‌قدر جمع‌آوری، حفظ و احیا شود؛ خوشبختانه در چند سال گذشته به‌مدد تکنولوژی روز و همت نسخه‌پژوهان و فهرست‌نگاران، این مهم جان تازه‌ای یافته است. آثار به‌جای مانده از اندیشمندان ایرانی مختص به زمان خاصی نیست لیکن قرن نهم هجری در میان محققان این عرصه، جایگاه ویژه‌ای در عرفان، ادبیات و سیاست دارد و آثار بزرگان این سده به‌دلیل دگرگونی‌ها و تغییرات ادبی، عرفانی و سیاسی، دارای سبک خاصی است. در عرفان به‌دلیل ظهور نهضت‌های شیعی تصوف مانند نعمت‌اللهیه، ذهبیه، نوربخشیه،

حروفیه و مشعشعیه برای اول بار به طور رسمی، صوفیان شیعی راه خود را از اسلاف خود جدا کردند و این باعث معرفی بیشتر عارفان شیعی و آثار ایشان شد.

در شعر فارسی، آخرین دوره سبک عراقی و در نثر، دوره سوم و زمانه قهقرای نثر فارسی است؛ نثر این دوره مصنوع و فاقد روانی و گویایی نثر مرسل است و شاهد احیای مجدد نثر فنی هستیم که مؤلف این اثر، خود احیاگر و پیشرو در این سبک است.

تحولات شدید سیاسی، فراز و فرود و در نهایت افول حکومت تیموریان و ظهور اولین حکومت های شیعی همچون آل کیا، سادات مرعشی، قراقویونلوها، مشعشعیان و صفویه، که غالباً مراودات خوبی با مورخان، علما، عرفا، شعرا و هنرمندان داشتند، به نوبه خود باعث خلق آثار بزرگان این عرصه شد.

از میان انبوه آثار ارزشمند معرفی شده قرن نهم هجری، رساله التوحید من نفس الرحمن تاکنون مورد تصحیح، تحقیق و حتی معرفی قرار نگرفته است. افتادگی صفحات در نسخه مقدم، نثر فنی و استفاده از علم حروف و اعداد در این اثر همچنین عدم ذکر نام مؤلف در فهرست های موجود، سبب شد محققان نسخه پژوه تاکنون رغبتی به آن نشان ندهند.

این رساله در زمره تهلیلیه های عرفانی محسوب می شود و از نظر تبویب ظاهری و محتوایی دارای دو بخش است: در قسمت اول که یک سوم حجم اثر را شامل می شود، مؤلف دانشمند با بهره گیری از بینات قرآنی و احادیث حضرت خاتم النبیین^(ص) و همچنین استفاده از علوم عقلی و نقلی و آرا و اندیشه های سایر علما، حکما، فلاسفه و عرفای ماضی و معاصر خود، سعی بر اقامه ادله توحیدی با بیانی تطبیقی و تفسیری داشته و در واقع تهلیلیه ای به قلم مؤلف است و در بخش دوم بر مبنای متن باب التهلل کتاب فتوحات المکیه ابن عربی به ترجمه، شرح و تفسیر کلام ابن عربی پرداخته است. این رساله در مجموع به ۱۰ فصل، ۹ تنبیه و ۳۶ توحید (بر اساس ۳۶ آیه تهلیل دار قرآن) تبویب شده است. فارغ از متن و محتوای وزین ابن عربی، تفسیر و شرح مؤلف کتاب نیز حاوی نکات عرفانی،

فلسفی، لغوی، احصایی و صنایع ادبی فراوانی است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

این پژوهش در نوع خود منحصر به فرد بوده و تاکنون هیچ گونه معرفی، تصحیح و تحقیقی از آن در قالب کتاب، مقاله و پایان نامه صورت نگرفته است.

۲-۱. ضرورت پژوهش

در میان تفاسیر قرآنی و آثار فلاسفه، متکلمان و عرفای متقدم، تهلیلیه‌های متعددی وجود دارد؛ از آن میان می‌توان به آثار بزرگانی چون حکیم ترمذی، ابوالحسن بستی، احمد غزالی و از معاصران مؤلف این اثر، شاه نعمت‌الله ولی، عبدالرحمن جامی و جلال‌الدین دوانی اشاره کرد. هریک از این آثار به دلایلی از جمله عدم تفکیک، ایجاز و اختصار فراوان و یک‌سویه‌نگری در مقام مقایسه، جامعیت و کیفیت اثر حاضر را ندارند لذا با عنایت به محتوا و کیفیت مطالب ارائه‌شده، استنادات قرآنی و حدیثی، بهره‌مندی از سایر علوم اسلامی و وسعت نظر مؤلف، این اثر را می‌توان جزء تهلیلیه‌های ممتاز دانست.

شیوه کار تحقیقی تطبیقی مؤلف در کنار تفسیر باب تهلیل از اقیانوس عرفانی و معرفتی کتاب *فتوحات المکیه* برای اول بار، اهمیت این اثر را صدچندان و معرفی آن را لازم می‌نماید. همچنین در کنار این مهم، همواره شناسایی، احیا و انتشار هریک از آثار مفاخر این مرزوبوم ضرورتی انکارناپذیر و باعث مباهات است.

۳-۱. روش پژوهش

پس از بررسی و انتخاب نسخه خطی^۱ مورد نظر با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی چون قدمت، صحت، اصالت و استقلال، نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۱۹ که دارای حداکثر شرایط فوق‌الذکر به نسبت سایر نسخ بود، به عنوان نسخه اساس گزینش و از میان روش‌های تصحیح، روش «تصحیح بر مبنای نسخه اساس» انتخاب شد و بعد از استنساخ نسخه اساس که با رعایت رسم‌الخط امروزی و معتبر صورت پذیرفت،

مرحله مقابله با دو نسخه دیگر به منظور ثبت و ضبط نسخه بدل‌ها به اجرا درآمد و در نهایت برای تبیین برخی موضوعات مرتبط در قالب مقدمه و نیز توضیح مشکلات متن در بخشی به نام تعلیقات، مطالبی به رساله ملحق شد.

۲. مؤلف و صحت انتساب اثر

آنچه از متن نسخه، قراین تاریخی و سبک ادبی این اثر برمی‌آید، تعلق آن به قرن نهم هجری بدیهی است، لیکن مؤلف از ذکر نام خود، در ابتدا، انتها و حتی متن اثر دریغ نموده، اما پس از بررسی‌های فراوان شواهد متقنی دال بر انتساب و معرفی مؤلف، حاصل شد که به صورت اختصار به آن می‌پردازیم.

پس از جست‌وجوی نام اثر در فهرست‌های نسخ خطی موجود، مشخص شد یک نسخه و یک میکروفیلم از این کتاب و تحت یک عنوان موجود است که فهرست‌نگار کتابخانه مجلس، زمان نسخه را قرن دهم و از مؤلفی ناشناس ذکر کرده است (درایتی، ۱۳۸۹: ج ۳، ۴۰۳) و میکروفیلم از این نسخه نیز در ذیل همین عنوان معرفی شده است؛ تنها مشخصه‌ای که در صفحات اولیه نسخه به چشم می‌خورد، ذکر نام ابومظفر جهانشاه (۸۰۲-۸۷۲ق)، قدرتمندترین پادشاه حکومت قراقویونلوهاست که گویا کتاب به اشاره وی به نگارش درآمده یا به او تقدیم شده است. لذا با این اشاره تاریخی، قدمت و تعلق اثر به قرن نهم و یا بعد از آن به اثبات می‌رسد.

از حیث محتوا، کتاب در شمار تهلیلیه‌هاست لذا تمام نسخ خطی فهرست‌شده با عنوان تهلیلیه، هدف بعدی تحقیقات قرار گرفت. پس از بررسی همه تهلیلیه‌های موجود در قالب نسخه خطی و چاپی، نسخه مشابه دیگری تحت عنوان تهلیلیه در کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی مشاهده شد که به نام جهانشاه نگاشته شده و در ذیل عنوان تهلیلیه، نام مولانا شرف‌الدین نیز ضبط شده است (حسینی، بی‌تا: ج ۱۰، ۳۰۹).

در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، مؤلف کتاب، شرف‌الدین پانی‌پتی معروف

به شاه بوعلی قلندرپانی پتی عنوان شده است (درایتی، ۱۳۹۱: ج ۹، ۶۶۹-۶۷۰) که از لحاظ تقدم و تأخر تاریخی با دوره حکومت و حتی حیات جهان‌شاه مغایرت داشته و با عنایت به محتوا، سبک ادبی و روح غالب بر سایر آثار باقی‌مانده از شاه بوعلی قلندرپانی پتی، صحت این انتساب قویاً مردود است.

در ادامه، به‌مدد منابع تاریخی و تذکره‌ها، تمام علما، عرفا و ادبای قرن نهم با نام شرف‌الدین فهرست شد و هم‌زمان نسخ خطی با عنوان شرف‌الدین در همه بانک‌های اطلاعاتی مربوط به نسخ خطی، مورد تورق و بازبینی قرار گرفت، دامنه انتخاب تنگ‌تر شد و به نفرات انگشت‌شماری رسید؛ آثار این افراد مورد مذاقه بیشتری قرار گرفت و در بین رسائل قرن نهم با عنوان شرف‌الدین، پژوهش به مجموعه‌ای از رسائل در کتابخانه مجلس منتهی شد که در یک مجلد صحافی شده که به شرف‌الدین علی یزدی مورخ قرن نهم نسبت داده شده است. در بین رسائل این مجموعه که اغلب به زیور تصحیح یا چاپ آراسته شده و صحت انتساب آن به اثبات رسیده است، رساله‌ای تحت عنوان *دلّه توحید* به چشم خورد که دقیقاً نسخه خطی مطلوب و مورد تفحص بود. با توجه به نتایج حاصل و اشتباهات فاحش فهرست‌نگاران نیاز به تحقیقات بیشتری درباره شخصیت و آثار شرف‌الدین علی یزدی محسوس بود (درایتی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۵۸۷).

متأسفانه اشعار موجود در متن این اثر در بین سایر آثار شرف‌الدین علی یزدی از جمله دیوان، منظومات و منشآت که قبلاً توسط مرحوم ایرج افشار تصحیح و چاپ شده بود، دیده نشد و دوباره نقطه کور دیگری حاصل شد؛ لیکن در بین یادداشت‌های مرحوم ایرج افشار در مقدمه منظومات (یزدی، ۱۳۸۶: ۸)، اشاره به نسخه خطی ارزشمندی از دیوان شرف‌الدین علی یزدی می‌شود که نزد شاعر و ادیب پرآوازه خراسان، مرحوم سید محمود فرخ بوده است. پس از درگذشت ایشان، مرحوم افشار از آن بی‌خبرند و کوشش ایشان در رؤیت و ثبت و ضبط اشعار آن به نتیجه نرسیده است. از آنجا که مرحوم فرخ در اواخر عمر

شریفشان، کتابخانه نفیس خود را به دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد واگذار کرده‌اند، پس از بررسی نسخ موجود در این کتابخانه مشخص شد نسخه دیوان مذکور تحت شماره ثبت ۲۲۲ در این دانشکده محفوظ است و جای شگفتی و شادمانی بسیار بود که همه اشعار موجود در رساله التوحید من نفس الرحمن بعینه در این نسخه ثبت و ضبط شده است و با ضرس قاطع و اطمینان خاطر می‌توان مؤلف اثر را شرف‌الدین علی یزدی دانشمند نام‌آشنای قرن نهم هجری دانست.

۳. شرف‌الدین علی یزدی

شرف‌الدین علی بن ضیاء‌الدین ابی‌بکر حسین بن علی یزدی از مشاهیر رجال سیاسی و دیوانی و از شعراء، مورخان و دانشمندان عهد تیموری است؛ شهرت وی به مناسبت کتاب *ظفرنامه* بوده و در بیشتر متون و کتب قدیم و جدید به‌عنوان مورخ معرفی شده است. اول بار ذکر او در کتاب *تاریخ یزد*، تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری آمده (یزدی، ۱۳۸۶: ۵) و بعد از آن در سایر مراجع تاریخی چون *مطلع سعدین و مجمع بحرین* کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، *تذکره دولتشاه سمرقندی*، *مجالس النفائس* امیرعلی شیرنوازی، *مجالس العشاق* کمال‌الدین حسین گازرگاهی، *حبیب السیر خواندمیر*، *تاریخ رشیدی* حیدر دو غلات، *تحفه سامی*، *جامع مفیدی* که تاریخ اختصاصی یزد است و اکثر تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخی بعدی نام و سرگذشت شرف‌الدین دیده می‌شود.

لقب شرف‌الدین علی یزدی را «مخدوم» ذکر کرده‌اند و شاهرخ حکمران تیموری وی را «جناب مخدومی» خطاب می‌کرد و در شعر به «شرف» تخلص می‌نمود (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ج ۳، ۱۵). وی همواره مورد احترام خاندان تیموری و همه علما و بزرگان دوران بود و در جای جای تواریخ از وی به نیکی و احترام فراوان یاد کرده‌اند. صاحب *تذکره نصرآبادی*، شرف‌الدین علی یزدی را چنین می‌ستاید: «از جمیع علوم بهره وافیه برده و آب حیات معانی از چشمه

فیوضات ربانی خورده، در ترتیب نظم و نثر کمال قدرت را داشته، چنان‌که *ظفرنامه* و *حلیل مطرز* و *کنه المراد* شاهدهی است در این معنی» (نصرآبادی، ۱۳۷۹: ۷۵۹).

شرف‌الدین علی یزدی در خاندانی شیعی، صوفی مشرب و اهل طریقت پا به عرصه وجود نهاد. منابع تاریخی حاکی از ارادت ضیاءالدین ابن ابی‌بکر حسین بن علی یزدی، پدر وی، به سلسله مشایخ صوفیه از شیخ علی بلیمان و شیخ اندیان تا شیخ دادا محمد است که این دل بستگی پس از پدر نیز در شرف‌الدین وجود داشته و در مزار اندیان مشغول به خدمت و عبادت بوده است (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۰۲؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۲: ج ۹، ۵۱۷). این خاندان به سبب مقام معنوی، عزت و احترام بسیاری نزد بزرگان آن دیار داشتند و همواره مورد وثوق مردم و حاکمان زمان خویش بودند (اشپولر، ۱۳۸۰: ۱۴۴). تاریخ دقیق تولد شرف‌الدین در آثار خودش و مورخان دیگر ذکر نشده و تنها یک گزارش در کتاب تاریخ جدید یزد به چشم می‌خورد که این واقعه را حوالی دهه ۷۹۰ق در شهر تفت می‌داند که احتمالاً بر اساس قراین تاریخی، سال وفات، نگارش *ظفرنامه* و حضور او در دربار پادشاهان تیموری تخمین زده شده است (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۷۳-۲۷۴). در مورد تاریخ وفات وی هرچند گزارشات متعددی در مکتوبات مورخان ثبت و ضبط شده، قول مشهور ۸۵۸ق است (همان: ۲۷۱؛ نیز خواندمیر، ۱۳۵۳: ۱۶؛ هدایت، ۱۳۸۵: ۲۸۵؛ راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۵۸). مدفن شرف‌الدین نیز همانند تاریخ ولادت و وفاتش روایت متفاوت دارد اما قریب به یقین کتابخانه عمومی شرف‌الدین علی یزدی واقع در چهارراه امیر چخماق شهر یزد که در محل مدرسه شرفیه بنا شده، مدفن این دانشمند بزرگ است (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۷۳؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ج ۳، ۳۰۳؛ فتوحی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۰).

۴. آثار و تألیفات مؤلف

هرچند عمده شهرت شرف‌الدین علی یزدی به سبب کتاب معروف تاریخی *ظفرنامه* است، تسلط او بر اغلب علوم زمان خویش باعث شد آثار و تألیفات متعدد دیگری نیز از وی به یادگار بماند که از آن جمله می‌توان به رساله *حلیل مطرز* در معما و لغز، منتخب *حلیل مطرز*،

دیوان اشعار، کنه المراد فی علم الوق و الاعداد، شرح قصیده برده بوصیری، منشئات، رساله عقد انامل، رساله الشهودیه، فتوحات صاحب قرانی، تحفه الفقیر و هدیه الحقیق، شرح اسماء الله، شامل، کتاب فی علم الاسطرلاب، حقایق التهلیل و رساله تهلیلیه التوحید من نفس الرحمن اشاره کرد (درایتی، ۱۳۹۱: ج ۳۵، ۱۰۰۶؛ نفیسی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۴۹).

۵. معرفی رساله التوحید من نفس الرحمن

رساله التوحید من نفس الرحمن در زمره تهلیله‌های عرفانی محسوب شده و در دو بخش مقدمه و متن علاوه بر جنبه‌های عرفانی حاوی مباحث حروفی، لغوی، عددی، کلامی و فلسفی است. در واقع، مؤلف گران قدر به نیت شرح و تفسیر «باب التهلیل» کتاب مستطاب فتوحات المکیه، خود نیز مقدمه مفصلی بر آن نگاشته که با عنایت به گستره دانش و تسلط کامل مؤلف بر علوم مختلف عصر خویش این دیباچه به تنهایی رساله‌ای کم نظیر بوده و از آنجا که تهلیلیه ابن عربی از ابتدا تاکنون مورد توجه و تحقیق عرفان پژوهان قرار نگرفته، بر نوآوری و ارزش کار مؤلف افزوده است. رساله التوحید من نفس الرحمن در دو بخش محتوا و ساختار مبین آرا و اندیشه‌های عرفانی و ادبی مؤلف بوده و نثر فنی وی در این اثر بر وجوه زیبایی و تمایز آن افزوده است.

۱-۵. نسخه شناسی و روش تصحیح اثر

تصحیح این رساله از روش مبتنی بر نسخه اساس و به کمک سه نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۱۹، نسخه خطی دیگر این کتابخانه به شماره ۱۴۲۹ و نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به شماره ثبت ۳۹۳۰ صورت گرفته است.

۱-۱-۵. نسخه مجلس شورای اسلامی (نسخه اساس)

اصل این نسخه در یک مجلد به همراه شش رساله دیگر به شماره ۱۳۱۹ در این کتابخانه نگهداری می شود. نام این رساله بر روی جلد «ادله توحید از کتاب و سنت» درج گردیده و

فاقد نام مؤلف است. تاریخ کتابت مجموعه رسائل بین سال‌های ۸۸۰ تا ۸۸۱ هجری قمری، به خط نستعلیق و کاتب حاجی حسن مظفر الشریف کاتب قید شده است؛ این رساله با عنوان سنگرف، جدول زر و لاجورد با پنج پیشانی مذهب، کاغذ سفید، جلد تیماج مشکی ضربی و مقوایی با ترنج کتابت و مجلد شده است. کل مجموعه در ۳۸۵ برگ و دارای رکابه بوده که از برگ ۱۰۳ تا ۱۳۸ آن «رسالة ادلة توحيد از کتاب و سنت» است. هر صفحه دارای ۲۳ سطر با ابعاد ۱۷×۲۴ سانتی‌متر بوده و برگ پایانی نسخه مفقود شده است.

۲-۱-۵. نسخه مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۱۴۲۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. نام رساله در صفحه اول، «کتاب توحيد» ذکر شده که فهرست‌نگار محترم کتابخانه بر اساس عناوین داخل متن، نام رساله را *توحيد من نفس الرحمان* برگزیده و بر روی برگه معرفی نسخه، عبارت «نسخه نفیس» را ذکر کرده است. نسخه از ذکر نام مؤلف کتاب و تاریخ کتابت بی‌نصیب است اما فهرست‌نگار با عنایت به رسم الخط، جنس کاغذ و قراین دیگر، زمان کتابت را قرن ۱۰ هجری قمری تخمین زده؛ این نسخه در ۱۴۱ برگ به ابعاد ۱۷×۱۲ سانتی‌متر، هر صفحه ۱۲ سطر و به خط نستعلیق قلمی شده است. نسخه، مزین به پیشانی مذهب بوده؛ متن و عنوان به رنگ مشکی، جداول زر و لاجورد، پیشانی لاجوردی با مهر شفیع، کاغذ سفید، جلد تیماج آلبالویی ضربی و مقوایی با ترنج می‌باشد.

۳-۱-۵. نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم

این نسخه به شماره ۳۹۳۰ در یک مجلد به همراه هفت رساله عرفانی دیگر در این کتابخانه نگهداری می‌شود. نام اثر در برگ اول آن، *رسالة تهليليه مولانا شرف‌الدین* ذکر شده است. کاتب رضا ابن محمد حسین بن عبدالعظیم التفرفشی است که در ابتدا و انتهای رساله نام خود و سال کتابت (۱۲۹۹ هجری قمری) را ذکر کرده است. نسخه دارای ۲۲۲ برگ و ابعاد ظاهری ۱۲×۲۱ سانتی‌متر بوده که در هر صفحه ۱۴ سطر جای گرفته است. همه صفحات توسط کاتب شماره‌گذاری شده و دارای رکابه و فاقد افتادگی است. متن اشعار به

رنگ مشکی و در ابتدای رساله حد فاصل بین ابیات و مصراع‌ها و همچنین عناوین، شنگرف و از میانه نسخه به بعد فاقد وجه تمایز است.

۲-۵. ویژگی‌های محتوایی

هدف از تحلیل محتوایی، دستیابی به درون‌مایه اثر و نیت خالق آن، از آفرینش چنین کتابی است. به عبارتی بر آنیم تا منظومه فکری و شاکله عرفانی مؤلف را به قدر بضاعت و امکان ترسیم کنیم. رساله التوحید من نفس الرحمن در بخش مقدمه، پژوهشی علمی و تطبیقی است که شامل مباحثی در علوم مختلف، چون بلاغت، فلسفه، منطق، علم اعداد و حروف، فقه، اصول و عرفان است.

استنادات صریح مؤلف به کتاب‌های مفاحص، معنی، مفردات راغب، کافی، تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب، معالم التنزیل، تفسیر کشاف، مواقف، منازل السائرین، لدنیه، صحیح بخاری، اشارات، مفتاح العلوم، فصوص الحکم و فتوحات المکیه همچنین نقل اشعاری از ابوسعید ابوالخیر، اوحدی مراغه‌ای، نظامی گنجوی، مولوی، عطار، خاقانی شروانی، انوری، سعدی و هلالی جغتایی حکایت از رجوع وی به کتب و دواوین مذکور و آشنایی با اندیشه‌های مؤلفان آن دارد.

نویسنده ضمن بهره‌برداری لازم از منابع مذکور برای اثبات آرا و اندیشه‌های خود، کوشیده است همگرایی و تقابلی بین این تفکرات و جریان‌های فکری و عرفانی عصر خویش ایجاد کند. هرچند غایت سخن شرف‌الدین در این رساله جانب عرفان و تفسیر کلام ابن عربی است، لیکن مقدمات عقلی و نقلی را به زیبایی در کنار یکدیگر لحاظ کرده و از تخطئه افکار و نظریات دیگر پرهیز نموده است.

۱-۲-۵. لطایف عرفانی اثر

رساله تهلیلیه التوحید من نفس الرحمن در مجموع به عنوان اثری عرفانی شناخته می‌شود که مملو از اشارات و دقایق عرفانی است. به یقین استخراج و بررسی این لطایف مبین اندیشه‌های عرفانی و شناخت مؤلفه‌های محوری شخصیت معنوی شرف‌الدین علی یزدی خواهد بود. ابعاد شخصیت عرفانی شرف‌الدین از آن جهت قابل توجه است که توغل وی در کسب

معلومات مانع ورودش به درک ذوقیات نشده و رویکرد او به عرفان و تصوف مانع حضورش در اجتماع و سیاست نبوده و همواره در همه حال، جانب اهل خدا نگاه داشته و در میان صاحبان قدرت ظاهر نیز محترم بوده است. با عنایت به اثر حاضر و سایر آثار به‌جای مانده از مؤلف همچنین صبغه و سابقه علمی و زندگی شخصی شرف‌الدین علی یزدی می‌توان نتیجه گرفت. وی در سلوک از متابعین شاه نعمت‌الله ولی، در حکمت و فلسفه عرفانی پیرو ابن عربی و بر مشرب صحو بوده و در این اثر نیز به‌عنوان شارح و مفسر کلام ابن عربی، مروج اندیشه‌های اوست.

در ابتدای رساله حاضر، مؤلف با نقل چند بیت از اشعارش به تبیین و معرفی اندیشه‌های عرفانی خود می‌پردازد و از آنجا که شعر بیان ملخص اندیشه و احساس در قالب هنرمندانه است، وی به بهترین نحو ممکن، منظومه عرفانی و رؤوس اعتقادات باطنی خود را به نمایش گذاشته است و به عبارتی می‌توان باقی مقدمه مفصل رساله را شرح و تفسیر این ابیات عارفانه و حکیمانه دانست به زبان دیگر. برای نمونه، شرف‌الدین درک کلام الهی را به نور ایمان ممکن دانسته و به‌رغم اشراف به علوم زمانه، طریق عقلی را کافی نمی‌داند. وی نسبت ایمان به عقل را چون خورشید به سراج توصیف می‌کند:

«خورشید چو گشت عالم‌آرا محتاج سراج نیست بینا
عقلست سراج و نور ایمان خورشید و سپهر نص قرآن»

(التوحید من نفس الرحمن، نسخه ۱۳۱۹ مجلس شورای اسلامی: ۴ پ)

وی در ادامه، قول انبیا و اولیا را برتر از خرد و حجت می‌داند و چنین می‌نویسد:

«برتر ز خرد دو گونه مدرک هست انسان را مکن درین شک
خاصست بانبیا یکی زان کس را نبود بغیر از ایشان
وان ختم شد و گذشت چون دی بر قایل لاتبی بعدی
وز مدرک دیگر اولیا را هم داده نصیب حق تعالی»

(همان: ۴ پ)

مؤلف در مبحث حدوث و قدم، قرآن را قدیم می‌داند و با فلاسفه‌ای که قرآن را حادث می‌دانند، به شدت مخالف است:

تجويز حدوث آن فسادست	«قرآن قدیم از آن مرادست
باطل چو نمود گشت زایل»	جز حق نبود مگر که باطل

(همان: ۵ ر)

و یا در ادامه:

اعلی و اتم ز هرچه گویند	«قرآن که دروست هرچه جویند
و او راست نمایشی زبانی	نوریست قدیم جاودانی
افتاد بناسزا سرودن»	نادان ز حدوث آن نمودن

(همان: ۵ پ)

۵-۲-۱-۱. اسما و صفات الهی

وی ذات را جامع اسما و صفات می‌داند و از آن به اسم جامع «الله» یاد می‌کند: «حضرت ذات جامع اسماء و صفات که از کرامت معبر به عَلَمِ آدَمِ الْأَسْمَاءِ کُلَّهَا پرتو دانش دانندگان بر آن می‌افتد و به ذکر الله یاد از آن می‌رود» (همان: ۱۵ ر).

شرف‌الدین در عین حال از اسم اعظم «هو» نیز برای معرفی ذات استفاده کرده و ویژگی‌هایی که برای این ذکر از لحاظ ادبیات عرب، لطایف احصایی و آوایی برشمرده، تطابق و نزدیکی خاصی با ذات دارد. «بر واقف قواعد عربیت پوشیده نماند که در معنی کلمه "هو" به وضع متعارف سه امر اندراج دارد: یکی وحدت و یگانگی و یکی ذکورت که از لوازمش مزید قوتست و تأثیر باستحقاق تصرف...» (همان: ۱۸ ر)

در واقع وی معتقد است اسم اعظم «هو» همان اسم جامع «الله» است در حریم عزت و عظمت ذاتی (همان: ۱۵ ر).

۵-۲-۱-۲. توحید

شرف‌الدین در بیان توحید، ضمن اعتقاد به مراتبی چون توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عبادی، مانند سایر عرفا قائل به تقسیم‌بندی ۳۶ گانه توحید بر اساس آیات دارای ذکر شریفه «لااله الاالله» که توسط ابن عربی صورت گرفته، نیز بوده و مفصل به آن پرداخته است^۲ (همان: ۱۲-۳۶؛ ابن عربی، بی تا: ج ۲، ۴۰۶-۴۲۱).

۳-۱-۲-۵. وحدت وجود

شرف‌الدین علی یزدی از قائلان به وحدت وجود بوده و تبلور این اندیشه در آثار منظوم و منثور وی نمایان است.

«حق بود و نبود غیر او هیچ	وز او ناید بجز نکو هیچ
بی شک چو ز جهل بد میرا	دانست بذات خویش خود را
زان علم که عالمست و معلوم	مجموع یکی و غیر معدوم
بی چون و چگونه صورتی نیست	هر چیز که بود و باشد و هست

(التوحید من نفس الرحمن، نسخه ۱۳۱۹ مجلس شورای اسلامی: ۴ پ)
 مؤلف مفهوم وحدت را این گونه تبیین می‌کند. «مفهوم از وحدت و یگانگی، مقتضی آن است که جز متصف به او هیچ نباشد و از این روشن گردد که واحد به وحدت حقیقی تعالی و تقدس به اطلاق ذاتی بری از تغیر و تبدل ازلاً و ابداً معلوم غیر نگردد اصلاً» (همان: ۶ پ).

۴-۱-۲-۵. جهان و تجلی حضرت حق

مؤلف پیدایی و نمایش عالم را حاصل تجلی وجودی حضرت حق سبحانه تعالی دانسته (همان: ۲۸ پ) و بر مبنای رأی علما و عرفای سلف، عالم را جز نمایشی مترتب بر ظهور اسمای حسنی بر سبیل تجدد و انصرام نمی‌داند و به عبارت دیگر معتقد است عالم ظل هستی حق است (همان: ۱۰ ر).

«وین غفلت آدمی از آنست	کانسان و هر آنچه در جهانست
مجموع ز مد ظلّ، هویداست	قرآن بهمین گواه و گویاست

ظل را نبود بجز نمودن حظیش نه از ثبات و بودن
(همان: ۵ ر)

۵-۱-۲. نَفْسِ رَحْمَانِي

از منظر شرف‌الدین، نظام هستی بر اساس نفس رحمانی آغاز و قیام دارد، پس عالم، صورتی از نفس رحمانی است. در رساله حاضر نیز با عنایت به عنوان آن و همچنین، تبویب مطالب تحت عبارت «التوحید ... من نفس الرحمن» می‌توان به جایگاه رفیع این موضوع در منظر ابن عربی و شارح اثر (شرف‌الدین علی یزدی) پی برد. در واقع وی معتقد است که عالم، کلمات الله است و نسبت مجموع آن کلمات، با نفس رحمانی که از او پیدا شده و می‌شود نسبتی واحد می‌باشد (همان: ۳۳ پ).

۵-۳. ویژگی‌های سبکی اثر

عصر تیموری مصادف با دوره سوم نثر پارسی و ورود مجدد سجع، قافیه، تکلف و تصنع به نثر مرسل است. در این برهه، شاهد اوج‌گیری استفاده از کلمات نامستعمل ترکی، مغولی و غالباً عربی در متون فارسی هستیم و گرایش به نثر فنی، سبک متداول این دوره به حساب می‌آید. در این زمان، شرف‌الدین علی یزدی به مناسبت تألیف اثر تاریخی مشهور و ماندگار خود *ظفرنامه* و نثر فنی آن به عنوان الگوی مورخان و نویسندگان بعدی قرار دارد و رساله حاضر نیز دنباله‌روی آثار دیگر این مؤلف و نمونه بارزی از نثر فنی است.

تسلط وی به علوم روزگار خویش باعث غنای علمی و پیچیدگی ظاهری متن شده است. در بخش‌هایی از متن، خواننده از شدت کثرت مطالب ارائه شده، استشهادات قرآنی، حدیثی، فلسفی و تحلیلی مؤلف، سردرگم شده و جهت درک مطلب نیاز به مطالعه چند باره دارد. هرچند رساله حاضر را می‌توان یکی از آثار فاخر ادبی عصر تیموری دانست، فرازوفرودهایی در متن دیده می‌شود. در مقدمه آنجا که مهار قلم در دست مؤلف است، خامه از سر درون و اندیشه وی می‌تازد، شاهد نثر فنی و اقیانوسی از صنایع ادبی، کلمات

نامانوس، واژه‌های عربی، امثال و ابیات فارسی و عربی هستیم. در این بخش، مؤلف از اشعار خود که در زمره اشعار تعلیمی صوفیه به شمار می‌رود نیز استفاده کرده و مهارت نویسندگی و وسعت دانش خود را به رخ خواننده اهل فن می‌کشد.

اما در بخش دوم چون سعی دارد نثر وزین و ثقیل ابن عربی در «باب التهلیل» کتاب فتوحات المکیه را شرح و تفسیر کند، از گرانی متن کاسته و در چندین موضع به نثر ساده و مرسل روی آورده و خالی از اطناب ممل و عبارات مسجع است. البته در این موارد نیز مملو از استشهادات قرآنی و احادیث نبوی فراخور متن است.

۵-۳-۱. ارزش‌های ادبی اثر

متن اثر فارغ از ارزش‌های موضوعی که به آن پرداخته شد، به سبب نثر فنی دارای ارزش‌های ادبی بسیاری است. جمله‌های کوتاه و بلند فارسی که آهنگین هستند، جناس‌ها، اقتباس‌ها، استشهادات، تضمین‌ها، اغراق‌ها و تکرارهای لطیف و شاعرانه در سراسر کتاب مشهود است.

الف. سجع

جمله‌پردازی‌های موزون و ضرباهنگ کلام از عبارات آغازین رساله افسونگری می‌کند: «سپاس بی‌قیاس و ستایش در فزایش...» و یا در ادامه: «تدبیر از تنگ مانی تقدیر است، بسط رحمتست و معدلت نسبت با کافه خلائق» (همان: ۱ پ) و بسیار موارد دیگر.

ب. جناس

از دیگر مؤلفه‌هایی که بر موسیقی و آهنگ کلام در این اثر افزوده، یکسانی و همسانی واژه‌هاست که در بخش منظوم و بخش مثنوی کتاب به کرات دیده می‌شود:

«کاغاز کلام ما از آنجاست وز دل تا دل ز مبحث ماست»

(همان: ۶ ر)

«اول کلام تمام از آن کتاب اعجاز انتساب را ملخص ظاهر، عبارت اداء حمدیست و

اظهار کمال محمود که برحسب قوله الحق و له الملك پیوسته فرماید به آفریدن و پروریدن عالم و عالمیان و غافلان از این حال» (همان: ۱۲ ر).

ج. اقتباس و استشهدات قرآنی و حدیثی

مؤلف به سبب موضوع اثر و آشنایی کامل به علوم عقلی و نقلی و به منظور مستندسازی شرح و تفسیر خود، به تناسب متن آیات و روایات فراوانی را شاهد آورده است: «اشارات بآن دو لازم را و ایما بهمان فرموده قایل انا اقل من ربی بستتین با انبا ازسعت حوصله قابلیت و مزید جامعیتی که کرامت خمرت طینه آدم بیدی اربعین صباحا و تتمیم آن تکریم بتعلیم مودی به علم آدم الاسماء کلها...» (همان: ۲۱ ر) که هم‌زمان به یک حدیث منسوب به حضرت علی(ع)، حدیث قدسی و آیه ۳ سوره بقره اشاره دارد.

«وانرا که کند مدد، عنایت فرموده من عرف کفایت»

(همان: ۶ پ)

که اشاره به حدیث شریف نبوی دارد: «من عرف نفسه و فقد عرف ربه.»

د. تضمین اشعار و امثله

شرف‌الدین به دلیل شاعری و نویسندگی اشعار و امثال فراوانی از گذشتگان در حافظه دارد که فراخور متن از آن‌ها استفاده کرده است. «و علو اطلاق آن حضرت برترست از تقید به آن تنزیه و الله در العارف الرومی حیث قال:

بِالْاِلاهِ رُومِ بِالْاِلاهِ رُومِ بِالْاِلاهِ رُومِ

(همان: ۸ پ)

«ای در به تو می‌گویم و دیوار بشنو چنین آورده ایاک اعنی فاسمعی یا جاره

و در جای دیگر: و فرموده که فالخطاب لزید و المراد به عمر» (همان: ۲۷ ر)

ه. اغراق

منش منشیانه، مناصب درباری و طبع لطیف مؤلف سبب شده است اغراق‌های شاعرانه نیز بر سایر لطایف این اثر افزوده شود. «نوشته را خواهد آراستن با اسم شاهی که زیب روش منابر است و وجوه دانیر و حرز جان و جنان عالمیان صغیر و کبیر کمالش برتر از حد مدارک ...» (همان: ۲ ر).

و. تکرار

یکی از ویژگی‌های آشکار هنر نویسندگی شرف‌الدین، بهره جستن از تکرار کلمات است که گاه از روی تأکید و گاه برای حفظ وزن و موسیقی کلام است:

«تنکا نبود چون ضنکا اصلا حاشا حاشا و ثم حاشا
نوری که ز مهر و ماه باشد پیوسته و تازه تازه باشد»
(همان: ۵ ر)

ز. مجاز

مؤلف کوشیده است با قدرت تخیل، تصاویر زیبا و بدیعی برای خواننده ترسیم کند تا مفاهیم عمیق عرفانی را به این واسطه القا کند. استفاده از کلمه یا عبارت در معنایی غیرحقیقی، علاوه بر افزایش وجوه جمالی متن، میزان بلاغت نویسند را به رخ خواننده می‌کشد.

«گردد قصب قلم شکر بار گویا شده طوطیان اسرار»
(همان: ۶ ر)
«زان پیش که افکند هوسناک بر کنگره‌اش کمند ادراک»
(همان: ۴ پ)

ح. استفاده از واژه‌های عربی

از خصایص اصلی نثر فنی استفاده بی‌محابا از عبارات و اصطلاحات عربی است. این ویژگی در برهه‌ای از تاریخ، سبب تفاخر و اظهار فضل و در برهه‌ای عامل قهقرا و تضعیف نثر فارسی به شمار می‌رود. مؤلف این اثر، احیاگر نثر فنی و مرجع سایر نویسندگان همعصر

خویش بوده و از طرفی موضوع رساله، استفاده از اصطلاحات فنی و کلمات قرآنی را گریزناپذیر می‌کند: «وجودی جسمانی، مصور به صورت انسانی، معبر به کلمات الله و روح منه به اعلی مدارج کمال رسید تا هم به لسان حال و هم زبان قال بشارت رسیدن آن میوه تواند رسانید...» (همان: ۱۶ ر).

۲-۳-۵. ویژگی‌های زبانی اثر

بررسی ویژگی‌های زبانی یک اثر، شامل پژوهش در گستره وسیعی از دستگاه‌های آوایی و ساختاری زبان از جمله دگرگونی‌های آوایی مانند تبدیل، حذف یا افزایش آواها و مصوت‌ها همچنین بررسی حروف، واژه‌ها و کاربرد وجوه افعال می‌باشد و پرداختن به آن مستلزم ورود به مباحث تخصصی و تدقیق در آن است که از حوصله بحث حاضر خارج می‌باشد. با وجود این برای آشنایی مختصر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

- استفاده از ضمیر پیوسته ش

حکمش، تحققش، اطلاقش، سیرش

- استفاده فراوان از کلمات عربی به جای کلمات فارسی معمول

ذاهل، غمام، معبر، مرعی و...

- استفاده از اسم مصدر فارسی با نشانه «ش»

پاشش، دانش، بخشش

- استفاده از اسم مصدر عربی

تعانق، تعاون، تجسد، بساطت

- استفاده از حروف نفی در ابتدای جمله و ساخت جملات منفی

«نه در وجه ملایمت آن با سابق سخنی فرموده، نه واو واقع در اول را تعرض نموده»

(همان: ۸ پ)

- استفاده از افعال ترکیبی منفی

نچنانست، دست ندهد، اندیشه نباشد

- مصادر جعلی با افزودن «یت» مصدری

قابلیت، سابقیت، جامعیت، ابتدائیت

- «ی» نسبیت

موطن ظهوری، هیاکل رقمی، عطیات ربانی.

- «ی» جانشین از کسره

فاتحه آن، قوه عاقله، تتمه سوره.

- «ی» نکره

اشارتی، آیتی، تهمتی، لذتی.

- صفت تفضیلی

در این رساله، علامت صفت تفضیلی «تر» بسیار به کار رفته است.

فصیحتر، خوشتر، نزدیکتر.

- حروف ربط مخفف

ارچه، کانچه، چنانک، اینک.

- ضمیر مبهم «هر»

با کلمات مستقلی آمده و فقط نشانه ابهام است؛ مانند «هر حرف»، «هر کس»، «هر طالب» و...

- استفاده از حروف و عبارات نفی در آخر جمله

«تجلیات آنی سبحانی ربانی بر یک قرارند و اصلاً در آن تکرار نه»

- استفاده از جملات دعایی و ترکیبات عربی

«بعون الله تعالی و تیسیره»، «و من الله التوفیق لیبان ذلک والیه المرجع والمآب»، «والله در

القایل».

- استفاده از کلمات مترادف

«مشاهده مفید یقین است، دل بر خلاص و نجات خویش بست» (همان: ۲۶ ر)

- حذف فعل به قرینه

«و چون فیض مشارالیه را اثر عطیه هستی است و پدید آمدن اشیاء تفرقه که لازم ثنویت

رتبی، اول قبول‌کننده آن عطیه باشد که قابل تجزی و انقسام نیست» (همان: ۱۳ ر)

- افعال مرکب

«چون بعد از آن او را پیش قدم خود آورد و ایشان سرزنش آغاز کردند» (همان: ۱۶ پ).

- صیغه ماضی به جای مستقبل محقق الوقوع

«که صغار و کبار اختیار و اشرار امت، دعوتش از دریافتن آن متمتع و برخوردار تواند

شد» (همان: ۱۳ پ).

۴-۵. رسم الخط نسخه اساس

به‌طور کلی، رسم الخط این نسخه از نوع رسم الخط قدیم است با این تفاوت که برخی از

ویژگی‌ها مانند ذال فارسی و سرهم‌نویسی به صورت ناهمگون، ناشی از شیوه قدیم و جدید

در آن دیده، همچنین «پ» با سه نقطه نوشته شده است. اهم نکات رسم الخطی این نسخه به

شرح ذیل است:

- سرهم‌نویسی ضمائر متصل: معنایش - لوازمش

- نوشتن «ج» به جای «چ»: جه (چه)، آنچه (آنچه)

- نوشتن «ک» به جای «گ»: گذارند (گذارند)، اگر (اگر)، گفت (گفت)، گیاهی (گیاهی)

- حذف «ها» از حرف اضافه «به» در صورت چسبیدن به کلمه‌ای که با «ه» یا «ا»

آغاز می‌شود: بهر (به هر)، باین (به این)

- نوشتن «ئی» به جای «یی»: دانائی (دانایی)، احصائی (احصایی)، ابتدائی (ابتدایی)

- پیوستن فعل «است» به کلمه پیش از خود: رحمتست (رحمت است)، عنایتست

(عنایت است)

- ناهمگونی در پیوستن فعل «است» در بعد از کلمه مختوم به حرف «یاء»:

رحمانی است، حقیقی است و محمدیست

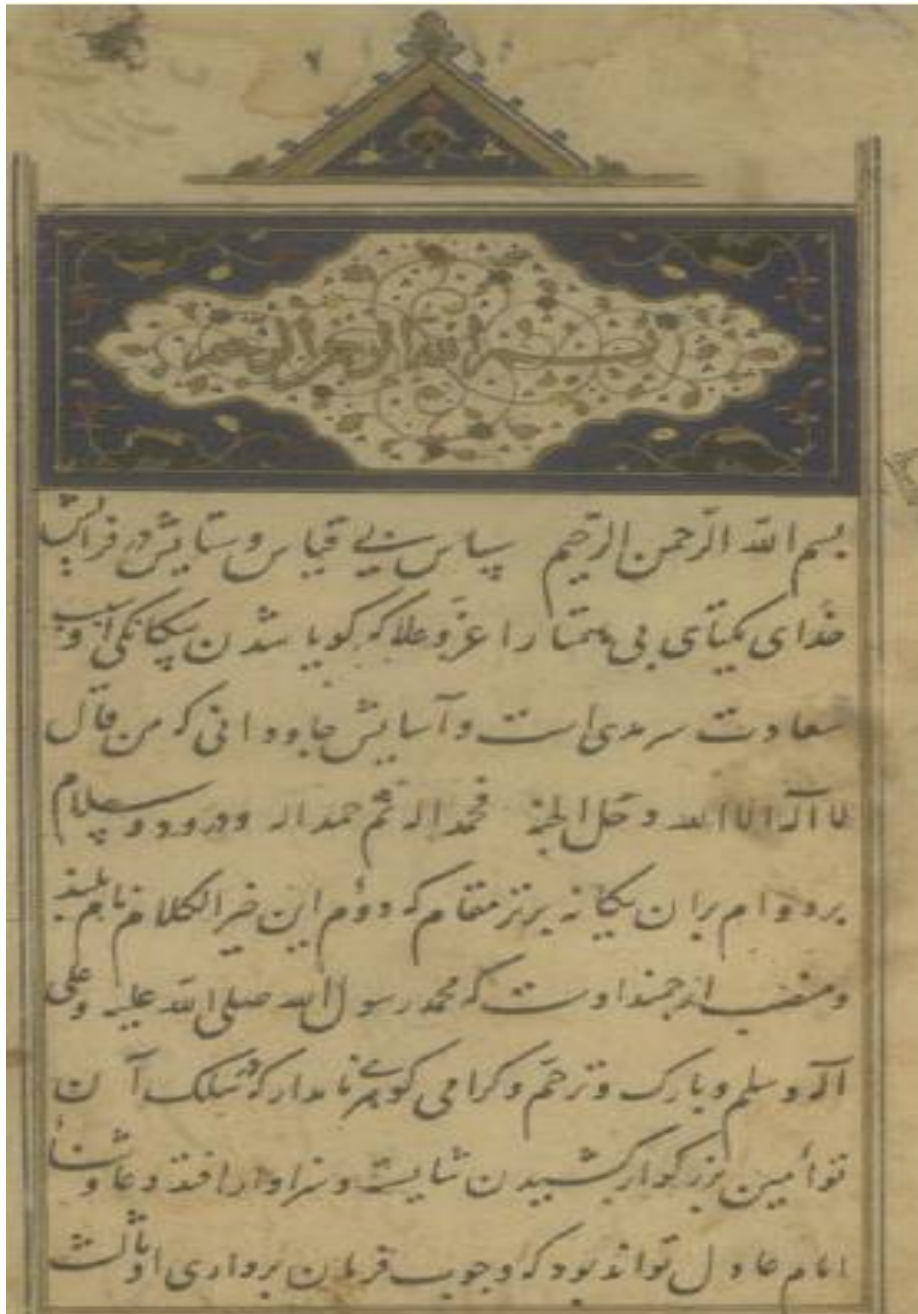
- ناهمگونی در پیوستن «می» استمرار به فعل: می‌گردد، میشود

- پیوستن «ب» حرف اضافه به کلمات: بدهانش، بحدس، بسعدت، بتخصیص، بتفسیر

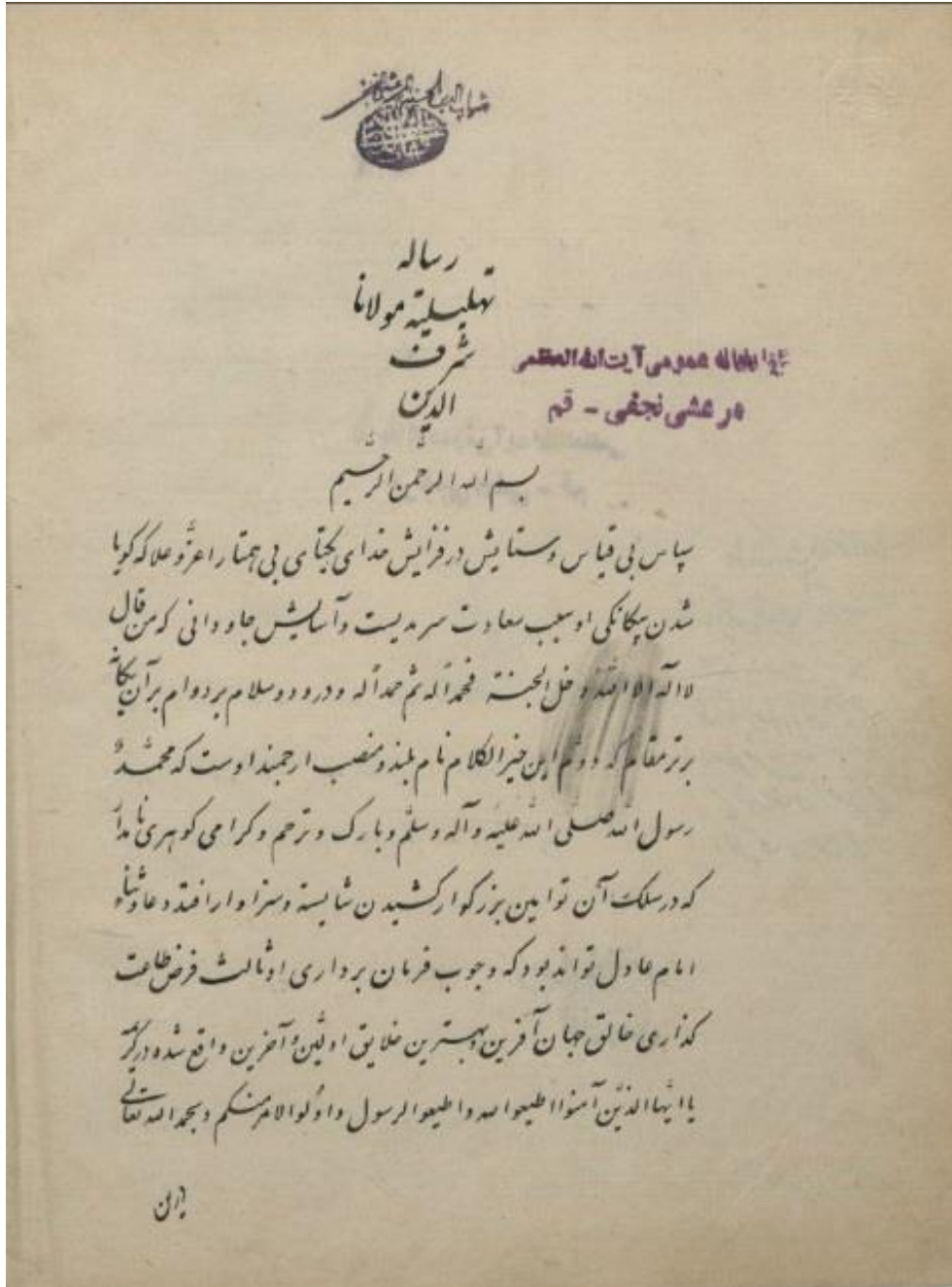
- پیوستن «را» به کلمه پیشین در برخی موارد: آنرا (آن را)، ایشانرا (ایشان را)

۶. نتیجه‌گیری

مؤلف رساله التوحید من نفس الرحمن به قطع و یقین، شرف‌الدین علی یزدی دانشمند قرن نهم بوده که تاکنون وجهه عرفانی شخصیت وی مغفول مانده و به آن پرداخته نشده است. اصلی‌ترین شاخصه ساختاری اثر، نثر فنی متداول قرن نهم هجری است که در بخش اول به‌طور کامل رعایت شده و در بخش دوم به‌دلیل سهولت در تفهیم کلام ابن‌عربی در مواضعی به نثر مرسل نزدیک شده است. این رساله در بعد ادبیات تفسیری و عرفانی، نمونه بارزی از سنت تهلیل‌نویسی در بین علما و عرفای اسلامی است. معرفی، شرح و بسط «تهلیلیه» ابن‌عربی به‌عنوان اهم و اتم این گونه عرفانی، برای اول بار، اثبات توحید به روش احصایی و بیان طبقه‌بندی ۳۶ گانه ابن‌عربی برای توحید از ویژگی‌های منحصر به فرد این اثر به‌شمار می‌رود. در بحث محتوایی، رساله التوحید من نفس الرحمن شامل مباحث نظری عرفان بوده و فاقد دستورات عرفانی، مجلس‌گویی و شطحیات رایج بین صوفیه است و دشواری هم‌زمان محتوا و متن، تأمل و آشنایی خواننده را با علوم ظاهری و سلوک عرفانی، جهت درک مفاهیم می‌طلبد. بر اساس قراین تاریخی و شواهد متنی، تبعیت مؤلف از شاه نعمت‌الله ولی در سیر و سلوک، همچنین تأثیرپذیری وی از اندیشه‌های حروفیه و ابن‌عربی محرز است. در پایان ارتباط شرف‌الدین علی یزدی با دربار قراقویونلوها به‌خصوص شخص جهان‌شاه، برخلاف تصورات قبلی مورخان، می‌تواند گره‌گشای نقاط کور تاریخی قرن نهم و دهم هجری و همچنین تغییر در تاریخ فوت مؤلف باشد.



تصویر صفحه نخست نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۱۴۲۹



تصویر صفحه نخست نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی قم شماره ۳۹۳۰

پی‌نوشت‌ها

۱. یادآور می‌شود که معرفی و پیشنهاد تصحیح کتاب *التوحید من نفس الرحمن* از سوی استاد راهنما دکتر داود چوگانیان مطرح شد و ایشان لوح فشرده‌ای از نسخه شماره ۱۴۲۹ مجلس را که در اختیار داشتند به نگارنده سپردند.
۲. مراتب توحید از دیدگاه ابن عربی در مقاله مستقلی توسط نگارنده در حال تهیه است.

مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۲ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دار الاضواء.
۳. ابن عربی، محیی‌الدین (بی‌تا)، *فتوحات المکیه*، ج ۲، بیروت: دار الصادر.
۴. اشپولر، برتولد (۱۳۸۰)، *تاریخ‌نگاری در ایران*، ترجمه یعقوب آرژند، تهران: گستره.
۵. آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷)، *تاریخ یزد*، یزد: گلبهار.
۶. حسینی، سید احمد (بی‌تا)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی*، چ ۲، قم: ولایت قم.
۷. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی (۱۳۶۲)، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.
۸. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
۹. — (۱۳۸۹)، *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۰. راقم سمرقندی، میرسید شریف (۱۳۸۰)، *تاریخ راقم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد دکتر افشار.

۱۱. فتوحی یزدی، عباس (۱۳۸۲)، *تذکره شعرای یزد*، یزد: اندیشمندان یزد.
۱۲. کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابخانه ابن سینا.
۱۳. مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۰)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابفروشی الهی.
۱۴. نصرآبادی، محمد طاهر، *تذکره نصرآبادی* (۱۳۷۹)، به کوشش احمد مدقق یزدی، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
۱۵. نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، چ ۲، تهران: کتابفروشی فروغی.
۱۶. هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵)، *تذکره ریاض العارفین*، به اهتمام ابوالقاسم رادفر و گیتا اشدیری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۶)، *منظومات*، به کوشش ایرج افشار، تهران: ثریا.
۱۸. — (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، مقدمه سید سعید امیرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۱۹. —، *ادله توحید*، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۲۹.
۲۰. —، *تهلیله شرف‌الدین*، نسخه خطی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم، شماره ۳۹۳۰.
۲۱. —، *دیوان*، نسخه خطی، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، شماره ۲۲۲.
۲۲. —، *التوحید من نفس الرحمن*، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۱۹.

